

## چکیده‌ی رساله‌ی دکتری

بررسی فلسفه‌ی دوران کودکی و نقش قصه در پرورش روحیه‌ی فلسفه‌ی کودکان

جواد فرزانه‌فر

دانشگاه تربیت معلم تهران

بهمن 1389

استاد راهنما: دکتر یحیی قائدی

استادان مشاور: دکتر میرعبدالحسین نقیب‌زاده، دکتر علیرضا محمودنیا

این رساله با نگاهی به تاریخ تعلیم و تربیت، ادبیات، فلسفه و روان‌شناسی، فلسفه‌ی دوران کودکی را مورد بررسی قرار داد و بدین نتیجه دست یافت که به طور کلی دو رویکرد براین دوران حاکم است: رویکرد اول که بر اکثر دوره‌ها سایه گسترانده، برعدم آگاهی، درخودماندگی، ضعف و گرایش کودکان به غرایز پست، اصرار می‌ورزد. این رویکرد را می‌توان رویکرد «کودک به مثابه‌ی وسیله» نام گذاشت. در مقابل اما، رویکرد دوم، بر آگاهی، روحیه‌ی پرسشگری، خلاقیت، معصومیت و تخیل کودک تأکید می‌کند. «کودک به مثابه‌ی هدف» نامی است که می‌توان بر روی این رویکرد نهاد. هر بحث در مورد فلسفه‌ی دوران کودکی، خواه از نگاه تربیتی و خواه ادبی، سمت و سوی نسبت به این دو رویکرد دارد. این که داستان‌سرا، چگونه رویکردی را آگاهانه یا ناآگاهانه اتخاذ کند بر داستان‌سرایی او نیز تاثیر دارد. با توجه به این که رساله به نقش قصه در پرورش روحیه‌ی فلسفه‌ی کودکان می‌پردازد، به سراغ نویسندگانی رفتیم که از آثارشان مشخص است که رویکرد دوم را انتخاب کرده‌اند: نویسندگانی همچون آندرسن، کسترن، بارت، مالو، بهرنگی، بایرامی و خسرونژاد. از این رو برای هر مولفه‌ی روحیه‌ی فلسفی، یعنی استقلال‌طلبی، همدردی، تفکر انتقادی و دید فراشخصی، قصه‌هایی از این نویسندگان انتخاب گردید و سپس با روش تحلیل محتوای تأملی به تحلیل آن‌ها پرداخته شد. یافته‌ها حاکی از این بود که قصه‌های انتخابی به درستی مصادیقی برای پرورش روحیه‌ی فلسفی در خود داشتند. علاوه بر این، مشخص گردید که همانندی‌های بسیاری میان نظریات ویلیام بلیک، ماریا نیکولایوا و مرتضی خسرونژاد با یافته‌های این تحقیق وجود دارد.

**واژگان کلیدی:** داستان، قصه، دوران کودکی، روحیه‌ی فلسفی، فلسفه‌ی داستان و قصه، فلسفه‌ی دوران کودکی